

تغییر در ابزارهای پیوندی متن مبدأ و تأثیر آن بر ترجمه: موردپژوهی رمان

پرتراهی از مرد هنرمند در جوانی^۱

اسما احمدی^۲ و محمد غضنفری^۳

چکیده

پژوهش حاضر که حاصل بررسی مقابله‌ای رمان انگلیسی *پرتراهی از مرد هنرمند در جوانی*، اثر جیمز جویس و دو ترجمه فارسی آن است، با هدف مطالعه تغییراتی که در ابزارهای پیوندی متن مبدأ در فرایند ترجمه صورت می‌گیرد و نیز پیامدهای چنین تغییراتی بر میزان تصریح و سپهر گفتمانی (universe of discourse) متن مقصد انجام گرفته است. در بررسی ابزارهای پیوندی متن مبدأ شامل ارجاع، جایگزینی، حذف به قرینه، عوامل ربطی، و پیوند واژگانی، از رویکرد هلیدی و حسن (۱۹۷۶) و برای مطالعه پیامدهای تغییر در ابزارهای پیوندی در متن مقصد از چارچوب نظری بلوم کولکا (۱۹۸۶) بهره گرفته‌ایم. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تغییر در هر یک از پنج دسته ابزارهای پیوندی تأثیرات متفاوتی بر میزان تصریح متن مقصد بر جای خواهد گذاشت. نتیجه دیگر اینکه تغییر در پیوندهای واژگانی، علاوه بر تغییر احتمالی در سپهر گفتمان متن مبدأ، در اغلب موارد می‌تواند به تصریح بیشتر در متن مقصد بینجامد.

واژه‌های راهنما: پیوند، تغییر در ابزارهای پیوندی، تصریح، سپهر گفتمان

۱. درآمد

در گذشته، پژوهش‌های تحلیلی زبان‌شناسان بیشتر معطوف به تجزیه و تحلیل «جمله» بود. به

۱. این مقاله در تاریخ ۱۳۹۳/۰۸/۱۶ دریافت شد و در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۰۸ به تصویب رسید.

۲. کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)؛ پست الکترونیک:

asma.ahmadi@hotmail.com

۳. نویسنده مسئول: دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد؛ پست الکترونیک:

mghazanfari@um.ac.ir

تعبیر دیگر، متخصصان دستور زبان بیشتر تمایل داشتند در مطالعات خود بر جمله – به مفهومی که ویدوسون (۲۰۰۷) آن را به کار برده است، یعنی «واحدی از زبان که مورد واکاوی دستوری قرار می‌گیرد و به طور معمول شامل یک عبارت اسمی و یک عبارت فعلی است» (ص. ۱۳۲) – متمرکز شوند. از این رو، بیشتر پژوهش‌های حوزهٔ زبان‌شناسی جمله-محور بودند. در دهه‌های اخیر، «زبان‌شناسی متن-محور» به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای پژوهش در حوزه زبان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است که به بررسی «متن، چه گفتاری یا نوشتاری، در هر اندازهٔ ممکن، که یک کلیت منسجم را تشکیل می‌دهد» (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶، ص. ۱) می‌پردازد. نیونر (۱۹۸۷) معتقد است از آنجایی که یک جمله یا گفته به تنهایی نمی‌تواند لوازم ارتباط را فراهم کند، بررسی پاره‌های گفتاری یا نوشتاری گفتمان فراتر از سطح جمله ضروری است. هلیدی و حسن (۱۹۷۶) متن را یک واحد معنایی و یک واحد کاربردی زبان در نظر می‌گیرند که از کنار هم قرار گرفتن جملات تشکیل می‌گردد. این دو نویسنده در سال ۱۹۷۶ کتاب *پیوند در زبان/ انگلیسی* را منتشر کردند که سرآغاز نظریه پیوند بود. به باور ایشان، پیوند «مفهومی معنایی است که به روابط معنایی درون متن اشاره دارد و ویژگی متنیت را به آن می‌بخشد» (ص. ۴). علاوه بر مدل هلیدی و حسن، مدل‌های پیوند دیگری نیز توسط زبان‌شناسان دیگر ارائه شده‌اند (به عنوان مثال، کلو، ۱۹۷۴؛ گوتوینسکی، ۱۹۷۶؛ دوبرگاند و درس‌لر، ۱۹۸۱؛ هوی، ۱۹۸۸؛ ۱۹۹۱).

در این پژوهش، به بررسی «ابزارهای پیوندی» (cohesive devices) در رمان انگلیسی *پرتره‌ای از مرد هنرمند در جوانی* (A Portrait of the Artist as a Young Man)، اثر جیمز جویس و تغییرات احتمالی که در پیوندهای متن در دو ترجمهٔ فارسی این رمان صورت گرفته می‌پردازیم. هدف از این پژوهش، بررسی پیامدهای چنین تغییراتی بر سطوح تصریح متون مقصد و نیز بررسی تغییرات احتمالی در «سپهر گفتمان» (universe/domain of discourse) متن مبدأ می‌باشد. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌های زیر است:

۱. آیا تغییرات احتمالی در ابزارهای پیوندی به کار رفته در متن مبدأ منجر به تغییر در میزان

تصریح در هر یک از دو متن مقصد می‌گردد؟

۲. آیا تغییر در پیوندهای واژگانی متن مبدأ می‌تواند به تغییر سپهر گفتمان در متن مقصد

بینجامد؟

۲. مبانی نظری پژوهش

مبنای نظری این پژوهش برای دسته‌بندی و تشخیص ابزارهای پیوندی در متن مبدأ، رویکرد هلیدی و حسن (۱۹۷۶) است، و برای بررسی پیامدهای چنین تغییراتی (shifts) بر دو متن مقصد از چارچوب نظری بلوم کولکا (۱۹۸۶) بهره گرفته‌ایم. مبنای ارزیابی میزان تصریح در ترجمه‌ها، همان است که وندرورا (به نقل از لایوسا-بریتویت، ۱۹۹۸) بیان کرده و نمونه‌هایی را که مترجمان به تصریح متوسل می‌شوند، برشمرده است. در تشخیص تغییرات احتمالی در سپهر گفتمان متن مبدأ، که می‌تواند ناشی از تغییر در پیوندهای واژگانی متن باشد، تعریف لفویر (۱۹۹۲) از سپهر گفتمان را مبنا قرار داده‌ایم، که در زیر خواهد آمد.

۱.۲. رویکرد هلیدی و حسن در بررسی و دسته‌بندی ابزارهای پیوندی

هلیدی و حسن (۱۹۷۶) ابزارهای پیوندی را دسته‌بندی کرده و در دو دسته جداگانه دستوری (grammatical cohesion) و واژگانی (lexical cohesion) جای داده‌اند. ابزارهای پیوند دستوری خود به چهار دسته به شرح زیر تقسیم می‌گردند:

الف. ارجاع (Reference)

به پیوندهای معنایی‌ای اشاره دارد که از طریق دستور زبان در متن عملی می‌شوند و جایگزین اطلاعاتی می‌گردند که در جایی دیگر از متن به کار رفته‌اند. در زبان انگلیسی، ارجاع شامل ضمائر شخصی، ضمائر اشاره، حرف تعریف معین/معرفه (the)، و عبارت‌هایی نظیر *such a* می‌گردد (مک‌کارتی، ۱۹۹۱، ص. ۳۵). به نمونه زیر برگرفته از هلیدی و حسن (۱۹۷۶، ص. ۳۱) بنگرید:

Three blind mice, three blind mice. See how *they* run! See how *they* run!

ضمیر *they* در جمله دوم ما را به *three blind mice* ارجاع می‌دهد و جایگزین این عبارت اسمی شده است.

ب. جایگزینی (Substitution)

به پیوندهای درون متنی‌ای اشاره دارد که به جای تکرار یک صورت خاص در متن، جایگزین آن می‌شوند. در زبان انگلیسی، نمونه‌هایی که معمولاً در جایگزینی به کار می‌روند شامل *one*, *do*, *so/not* و *the same* می‌شوند. در جمله زیر، دو واژه *so* و *not* به ترتیب جایگزین دو جمله‌واره

you don't need a lift و you need a lift شده‌اند:

So/not: Do you need a lift? If so, wait for me; if not, I'll see you there.

ج. حذف (Ellipsis)

به پیوندهایی اشاره دارد که بیانگر حذف اطلاعاتی است که در متن به شکل ضمنی یا تلویحی بیان شده و خواننده یا شنونده می‌تواند از سیاق متن، آن را استنباط کند. هلیدی و حسن سه نوع حذف را برشمرده‌اند: حذف اسمی (nominal)، که شامل حذف یک گروه اسمی است؛ حذف فعلی (verbal)، که شامل حذف یک گروه فعلی است؛ و حذف جمله‌واره‌ای (clausal)، که شامل حذف یک جمله‌واره از متن می‌شود.

د. عوامل ربطی (Conjunctions)

به ابزارهای پیوندی‌ای اطلاق می‌شود که عناصر زبانی – از قبیل دو واژه، دو عبارت، دو جمله‌واره، دو جمله و مانند آنها – را به یکدیگر متصل می‌سازند و معنای آنها را در پیوند با یکدیگر قرار می‌دهند. هلیدی و حسن (۱۹۷۶، ص. ۶)، عوامل ربطی را در محدودهٔ مشترک میان پیوندهای دستوری و واژگانی قرار می‌دهند، بدین معنا که این دسته از ابزارهای پیوندی «گرچه بیشتر خصوصیت دستوری دارند، اما یک وجه واژگانی هم در آنها هست» و در چهار دسته روابط افزودنی (additives)، روابط تعارضی (adversatives)، روابط سببی (causal)، و روابط زمانی (temporal) جای می‌گیرند. در بیت زیر از حافظ، چهار واژهٔ اسمی «شیخ»، «حافظ»، «مفتی» و «محتسب» از طریق رابطهٔ «افزودن» به یکدیگر پیوند خورده‌اند:

می‌خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب چون نیک بنگری همه تزویر می‌کنند

(دیوان خواجه حافظ شیرازی، انجوی شیرازی، ۱۳۷۶، ص. ۶۸)

ه. پیوند واژگانی (Lexical Cohesion)

به باور هوی (۱۹۹۱)، پیوند واژگانی به «زنجیره‌های واژگانی» ای (lexical chains) اشاره دارد که جملات را در قالب یک متن به یکدیگر پیوند می‌دهند. هلیدی و حسن (۱۹۷۶)، پیوند واژگانی را به دو دسته «تکرار» (reiteration) و «هم‌آیی/هم‌ایندی» (collocation) تقسیم می‌کنند. تکرار، همان گونه که از نامش پیداست، به معنای تکرار عناصری از متن می‌باشد و به شکل‌های گوناگون

تغییر در ابزارهای پیوندی متن مبدأ ... ۷۳

انجام می‌گیرد: تکرار عین واژگان یا تکرار واژه‌ای که نسبت به واژه قبل خود، مترادف باشد، مانند بیت زیر از سعدی، که در آن واژه‌های «خطا» و «زیبا» عیناً تکرار شده‌اند، «رخ»/«روی» و نیز «نظر»/«دیدن» در مقام واژگان مترادف آمده‌اند:

که گفت در رخ زیبا نظر خطا باشد خطا بود که نبیند روی زیبا را

(کلیات سعدی، فروغی، ۱۳۸۵، ص. ۵۲۳)

حالت دیگر، تکرار واژه‌ای است که نسبت به واژگان قبل یا بعد در متن شمول داشته باشد و دربرگیرنده آنها باشد (مانند گل / شقایق). هم‌آیی به واژگانی که با هم میل ترکیبی دارند و تشکیل یک واحد معنادار را می‌دهند اشاره دارد؛ برای مثال، عبارت «چشم شور» یا «خنده تلخ» در فارسی، که نشان می‌دهند دو واژه «چشم» و «شور» و «خنده» و «تلخ»، به ترتیب، با هم همایند هستند.

۲.۲. چارچوب نظری بلوم کولکا برای بررسی تغییرات ابزارهای پیوندی

بلوم کولکا (۱۹۸۶) در مقاله خود با عنوان «تغییرات روابط معنایی و پیوستگی در ترجمه»، بر این باور است که فرایند ترجمه الزاماً شامل تغییرات در روابط متنی و کلامی می‌گردد. او می‌افزاید که در سطح «پیوند» (cohesion)، تغییرات در انواع ابزارهای پیوندی در فرایند ترجمه، متون ترجمه را به یک یا هر دو صورت زیر می‌توانند تحت تأثیر قرار دهند:

الف. تغییر در سطح «تصریح» (explicitness)؛ یعنی سطح تصریح در متن مقصد بالاتر یا پایین‌تر از سطح تصریح در متن مبدأ می‌شود.

ب. تغییر در معنای متن؛ یعنی «پتانسیل معنایی» (meaning potential) صریح یا ضمنی متن مبدأ در متن ترجمه تغییر می‌یابد.

وی در پیوند با تغییرات احتمالی در سطح تصریح می‌نویسد: «گمان می‌رود تغییرات احتمالی در سطح تصریح در فرایند ترجمه، یا نتیجه تفاوت در گرایش‌های سبک‌شناختی بین دو زبان و یا نتیجه فرایند تصریحی است که در ذات ترجمه وجود دارد» (ص. ۳۳).

۳.۲. معیارهای وندروورا در ارزیابی تصریح در ترجمه

به گفته کلاودی (۱۹۹۸، ص. ۸۰)، تصریح «شیوه‌ای است که اطلاعات ضمنی مندرج در متن مبدأ را به شکل واضح و صریح در متن مقصد بیان می‌کند». در راستای مشاهدات بلوم کولکا، وندروورا

(۱۹۸۵، نقل در لایوسا-بریتویت، ۱۹۹۸، ص. ۲۸۹) موارد متعددی را یادآور می‌شود که در طی آنها، مترجم از «روش‌های تصریح» (explicitation techniques) بهره می‌گیرد. این موارد عبارتند از استفاده از اصوات برای بیان واضح‌تر رشته افکار شخصیت‌ها یا با تکیه تلفظ کردن یک عبارت، بسط دادن متون مختصر، افزودن عبارت‌های وصفی و حروف ربط به منظور شفافیت بیشتر، افزودن اطلاعات اضافی، درج توضیحات، تکرار جزئیاتی که قبلاً ذکر شده برای وضوح بیشتر، ترجمه دقیق داده‌های ضمنی یا مبهم، ارائه توصیفات دقیق‌تر، نامگذاری دقیق مکان‌های جغرافیایی و ابهام‌زدایی از ضمائر.

۴.۲. تعریف لفویر از سپهر گفتمان

لفویر (۱۹۹۲، ص. ۳۵)، سپهر گفتمان را «مجموعه‌ای از مفاهیم، ایدئولوژی‌ها، اشخاص و اشیاء متعلق به یک فرهنگ خاص» می‌داند و معتقد است که ترجمه را می‌بایست در پیوند با قدرت، ایدئولوژی، و ادبیات، و نیز تأثیر ترجمه بر ادبیات مقصد مطالعه کرد. وی می‌افزاید: «مترجمان باید میان سپهر گفتمان مد نظر نویسنده متن اصلی و سپهر گفتمانی که برای مترجم و خوانندگان ترجمه آشنا و پذیرفته است، تعادلی برقرار کنند».

۳. پیشینه تحقیق

پس از نشر کتاب هلیدی و حسن (۱۹۷۶) درباره ابزارهای پیوند در زبان انگلیسی، در کشور ما نیز پژوهش‌های بسیاری به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. بیشتر این پژوهش‌ها به بررسی نقش انواع مختلف ابزارهای پیوندی در متون اختصاص یافته‌اند (برای مثال، رحیمی، ۱۹۹۳؛ فضل علی، ۱۹۹۵؛ مظفرزاده، ۱۹۹۸؛ غلامی و همکاران، ۲۰۱۲؛ میرزاپور و احمدی، ۲۰۱۱؛ رحیمی و ابراهیمی، ۲۰۱۲؛ بهجت، ۲۰۰۹؛ وحید دستجردی و تقی‌زاده، ۲۰۰۶).

تغییر در ابزارهای پیوندی و پیامد آن در ترجمه از زبان‌های مختلف در شماری از پژوهش‌های خارج از ایران نیز مورد بررسی قرار گرفته است (برای مثال، شلزینگر، ۱۹۹۵؛ سیدروپولو، به نقل از دیمیترووا، ۲۰۰۵؛ لاسکار، ۱۹۹۷).

پژوهش‌های معدودی نیز به بررسی تغییرات پیوندی در ترجمه‌های انگلیسی به فارسی پرداخته‌اند. به عنوان مثال، منشی طوسی و جنگی (۲۰۱۳) در پژوهش خود به بررسی تغییرات پیوندی در ترجمه انگلیسی به فارسی متون پزشکی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که تغییرات پیوندی

در ترجمه متون پزشکی از انگلیسی به فارسی مشهود است. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که گرچه همه انواع ابزارهای پیوندی در ترجمه منجر به تصریح نمی‌گردند، اما ابزارهای پیوند واژگانی و عوامل ربطی دو مورد از ابزارهای پیوندی‌اند که در ترجمه منجر به تصریح می‌گردند.

همچنین، بیگیان و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی یک سوم رمان انگلیسی *بادبادک باز* نوشته خالد حسینی (۲۰۰۳) و ترجمه فارسی آن به قلم مهدی غبرایی (۲۰۰۶) به منظور بررسی تغییرات عوامل ربطی در ترجمه پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که فرایندهای تصریح، تلویح، و نیز تغییر معنا در ترجمه مشهودند، گرچه تصریح سهم بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد.

۴. متون پژوهش

منابع اصلی این پژوهش عبارتند از رمان انگلیسی *پرتره‌ای از مرد هنرمند در جوانی*، نوشته جیمز جویس (۲۰۰۵) همراه با دو ترجمه فارسی آن به قلم پرویز داریوش (۱۳۷۵) و منوچهر بدیعی (۱۳۸۵). در این پژوهش، به بررسی ۱۰ صفحه نخست هر یک از ۵ بخش رمان انگلیسی و دو ترجمه فارسی آن پرداخته‌ایم. نویسنده در هر بخش، شیوه نگارش مناسب آن بخش را به کار می‌گیرد. بخش نخست، روایت دوران کودکی شخصیت اصلی است؛ بنابراین، زبان به کار گرفته شده نیز کودکانه است. همان گونه که کودک در گذر سال‌ها بزرگ می‌شود و نوجوانی و جوانی را پشت سر می‌گذارد، در هر فصل، موضوع و سبک بیان تغییر کرده و شیوه نگارش پیچیده‌تر می‌گردد. از این روی، به منظور همگن‌سازی داده‌ها، به بررسی چند صفحه از هر فصل پرداخته‌ایم.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق، فراوانی هر یک از انواع ابزارهای پیوندی در متن مبدأ، فراوانی تغییرات ابزارهای پیوندی در هر دو ترجمه، و نیز فراوانی تغییرات منجر به تصریح بیشتر یا کمتر در دو ترجمه را شمارش نموده و درصد هر کدام را محاسبه کردیم. سپس، تغییرات ابزارهای پیوند واژگانی متن مبدأ را بررسی کردیم تا معلوم شود تا چه اندازه این تغییرات منجر به تغییر سپهر گفتمان متن مبدأ شده‌اند.

۵.۱. تغییرات منجر به تصریح بیشتر در دو متن مقصد

1. But he had pretended not to see that she was going to cry. (p. 3)

اما استیون چنان ظاهر ساخته بود که نمی‌بیند مادرش نزدیک است به گریه بیفتد. (داریوش، ص. ۱۰)

اما استیون وانمود کرده بود که نمی‌فهمد که مادرش دارد به گریه می‌افتد. (بدیعی، ص. ۱۸)

در این نمونه، ضمائر شخصی *he* و *she* به کار رفته در متن مبدأ نمونه‌های ارجاع می‌باشند. این ضمائر در هر دو ترجمه داریوش و بدیعی، ابهام‌زدایی و به شکل دقیقی اسم مرجع آنها معرفی شده است. یعنی به «استیون» و «مادرش» برگردانده شده‌اند، که هر دو مرجع ضمیرند و منجر به تصریح بیشتر در دو متن مقصد شده‌اند.

2. Simon Moonan told him not to because the prefect was looking (p. 5).

سایمن مونن به رودی کیکهام گفت که توپ را نزن چون مدیر نگاه می‌کرد. (داریوش، ص. ۱۳)

سایمون مونان به او گفت این کار را نکن چون ناظم دارد نگاه می‌کند. (بدیعی، ص. ۲۰)

در این نمونه، ضمیر شخصی *him* به کار رفته در متن مبدأ نمونه‌ای از ارجاع است که در ترجمه داریوش، به شکل دقیق به مرجع ضمیر، یعنی، «رودی کیکهام» برگردانده شده است. همچنین، عبارت *not to* در متن مبدأ که نمونه‌ای از حذف گروه فعلی می‌باشد در ترجمه‌های داریوش و بدیعی، به ترتیب، به «توپ را نزن» و «این کار را نکن» برگردانده شده است که هر دو ترجمه، اطلاعات ضمنی در عبارت متن مبدأ را به صورت دقیق و صریح بیان کرده‌اند.

3. Dedalus, you're an anti-social being, wrapped up in yourself. I'm not. (p. 158)

ده دالوس، تو موجودی ضداجتماعی هستی که در خودت پوشیده شده‌ای. من این طور نیستم. (داریوش، ص. ۲۲۰)

ددالوس، تو موجودی هستی ضداجتماع که در خودت فرو رفته‌ای. من این جور نیستم. (بدیعی، ص. ۲۲۹)

در این نمونه، جمله *I'm not* در متن مبدأ، نمونه‌ای از حذف گروه اسمی می‌باشد، زیرا اطلاعاتی از متن مبدأ ذکر نشده و به شکل ضمنی به آن اشاره شده است. با این حال، این جمله در ترجمه‌های داریوش و بدیعی به «من این طور نیستم» و «من این جور نیستم» برگردانده شده که هر دو ترجمه این اطلاعات ضمنی را به شکل واضح و شفاف بیان می‌کنند.

۲.۵. تغییرات منجر به تصریح کمتر در متون مقصد

1. ... But both his father and Uncle Charles said that Dante was a clever woman and a well-read woman. (p. 5)

... اما هم پدرش، هم عمو چارلز می‌گفتند دانتِه زن هوشمندی است و خوب کتاب خوانده است. (داریوش، ص. ۱۲)

تغییر در ابزارهای پیوندی متن مبدأ ... ۷۷

... اما پدرش و عمو چارلز هر دو می‌گفتند که داتته زن زیرکی است و خیلی چیز خوانده است. (بدیعی، ص. ۱۲۰)

در اینجا، واژه woman به دلیل تکرار در متن مبدأ، نمونه‌ای از ابزارهای پیوند واژگانی به شمار می‌رود. این واژه در هر دو ترجمه از عبارت آخر جمله حذف شده است که در نتیجه متون مقصد با تصریح کمتری بیان شده‌اند.

2. For just and unjust, for saint and sinner alike, may this retreat be a memorable one. (p. 97)

این اعتکاف برای عادل و ظالم و برای عاصی و معصوم به یک اندازه فراموش نشدنی بماند. (بدیعی، ص. ۱۴۶)

در اینجا، واژه one که در متن مبدأ جانشین retreat شده نمونه‌ای از جایگزینی به شمار می‌رود. این واژه در ترجمه بدیعی حذف شده که در نتیجه به تصریح کمتر متن مقصد در مقایسه با متن مبدأ منجر شده است.

3. He had heard the names of the passions of love and hate pronounced solemnly on the stage and in the pulpit ... A brief anger had often invested him, but he had never been able to make it an abiding passion. (p. 133)

نام‌های شرح محنت‌های عشق و نفرت را شنیده بود که با هیبت بر صحنه نمایش و بر منبر بر زبان آمده بود بسا اوقات خشمی مختصر در او راه یافته بود ولیکن هرگز نتوانسته بود آن را احساسی ماندگار سازد (داریوش، صص. ۱۸۵-۱۸۶)

در اینجا، ضمیر شخصی he که دو بار در متن مبدأ به کار رفته است، نمونه‌ای از ارجاع است. این ضمیر در ترجمه داریوش حذف و منجر به تصریح کمتر شده است. همچنین، واژه passion که در متن مبدأ تکرار شده نمونه‌ای از ابزارهای پیوند واژگانی است. مفهوم passion که به معنای «شور، احساسات و اشتیاق شدید» است در ترجمه داریوش به «احساسی» برگردانده شده که به مفهومی کلی‌تر – همان چیزی که در انگلیسی از آن با عنوان اسم فراگیر (superordinate) یاد می‌شود – اشاره دارد و نوع احساس، یا زیرنام (hyponym) را دقیقاً مشخص نمی‌کند. در نتیجه، متن مقصد در مقایسه با متن مبدأ از تصریح کمتری برخوردار است.

۳.۵. تغییر در پیوندهای واژگانی متن مبدأ که منجر به تغییر «سپهر گفتمان» می‌شود

1. ... His nephew suggested to him to enjoy his morning smoke in a little outhouse at the end of the garden. ... The outhouse will do me nicely ... (p. 51)

... برادرزاده‌اش بدو پیشنهاد کرد که از دود بامدادیش در اتاقک گلخانه در انتهای باغ بهره‌مند شود. ...
اتاقک گلخانه برای من خیلی خوبست ... (داریوش، ص. ۷۵)

... خواهرزاده‌اش به او توصیه کرد که برود و در انبار کوچک ته حیاط از لذت تدخین صبحگاهی بهره‌مند شود. ... انبار ته حیاط برای من خوب است ... (بدیعی، ص. ۸۳)

همان طور که می‌بینیم، واژه *outhouse* به دلیل تکرار در متن مبدأ، نمونه‌ای از پیوند واژگانی به شمار می‌رود. مفهوم *outhouse* در زبان انگلیسی به معنای «منزل یا حیاط پهلویی یا دورافتاده» است و معمولاً به ساختمانی دور از ساختمان اصلی اشاره دارد که ممکن است برای خواننده فارسی زبان، ناآشنا به نظر برسد. در ترجمه داریوش این مفهوم به «اتاقک گلخانه» برگردانده شده که معمولاً به ساختمان یا مجموعه‌ای اشاره دارد که در آن گل‌ها و گیاهان را پرورش می‌دهند. از این روی، این ترجمه معنای دقیق *outhouse* که در بالا به آن اشاره کردیم را نمی‌رساند. در ترجمه بدیعی مفهوم *outhouse* به «انبار ته حیاط» برگردانده شده است. انبار که برای خواننده فارسی زبان مفهومی آشناتر به نظر می‌رسد معمولاً به اتاقی اشاره دارد که برای نگهداری اشیاء غیر قابل استفاده به کار می‌رود و لزوماً ساختمانی مجزا از منزل نیست. از این روی، این ترجمه نیز معنای دقیق *outhouse* را نمی‌رساند. در نتیجه می‌توان چنین استنباط کرد که در هر دو ترجمه «سپهر گفتمان» یا «فضای گفتمان» (*domain/universe of discourse*) متن مبدأ دستخوش تغییر شده است، چراکه دو معادل داده شده ذهن خواننده را به فضایی متفاوت از فضای ترسیم شده در متن اصلی می‌کشاند.

2. The retreat will begin on Wednesday afternoon in honour of Saint Francis Xavier whose feast day is Saturday. The retreat will go on from Wednesday to Friday. (pp. 93-94)

فصل صیام از بعد از ظهر چهارشنبه به احترام فرانسیس گزایوه قدیس آغاز خواهد شد که روز عید او شنبه است. روزه از چهارشنبه تا جمعه ادامه خواهد داشت. (داریوش، ص. ۱۳۴)

مراسم اعتکاف در روز چهارشنبه بعد از ظهر به احترام قدیس فرانسیس گزایوه آغاز می‌شود که روز یادبود ایشان شنبه است. مراسم اعتکاف از چهارشنبه تا جمعه ادامه دارد. (بدیعی، ص. ۱۴۲)

در متن بالا، واژه *retreat* به دلیل تکرار در متن مبدأ نمونه‌ای از پیوند واژگانی به شمار می‌رود. این مفهوم در لغت به معنای «گوشه عزلت گزیدن» یا «انزواگزینی» است و به مراسم معنوی یا مذهبی‌ای اشاره دارد که در طی آن افراد به تفکر، تأمل یا مراقبه می‌پردازند. با این حال، این مفهوم ممکن است در جوامع مذهبی مختلف، معانی متفاوتی داشته باشد. در ترجمه‌های داریوش و

بدیعی، به ترتیب، این واژه به «روزه» و «مراسم اعتکاف» برگردانده شده است تا برای خواننده فارسی زبان قابل درک باشد، زیرا هر دو مفهوم به سنت‌های مذهبی جامعه اسلامی تعلق دارند. از این روی، می‌توان نتیجه گرفت که در هر دو ترجمه، باز هم «سپهر گفتمانی» متن مبدأ دچار تغییر شده، چراکه دو فضای مذهبی و حال و هوای حاکم بر دو مفهوم، در متن اصلی، از یک سوی، و در دو متن مقصد، از سوی دیگر، متفاوت است.

۴.۵. آمار توصیفی ابزارهای پیوندی متن مبدأ و تغییرات آنها در دو متن مقصد

در ابتدا فراوانی هر یک از انواع ابزارهای پیوندی در متن مبدأ و فراوانی تغییرات آنها در دو ترجمه را شمارش کرده و سپس میزان درصد هر یک را محاسبه و ارائه کرده‌ایم. جدول ۱ فراوانی و درصد ابزارهای پیوندی در متن مبدأ را نشان می‌دهد.

جدول ۱ آمار توصیفی ابزارهای پیوندی متن مبدأ

انواع ابزارهای پیوندی	فراوانی	درصد
ارجاع	۱۶۸۲	۵۵/۹۳
عوامل ربطی	۴۴۰	۱۴/۶۳
حذف	۴۴	۱/۴۶
جایگزینی	۱۷	۰/۵۶
پیوند واژگانی	۸۲۴	۲۷/۴۰

به منظور پاسخ دادن به پرسش اول، فراوانی تغییرات منجر به تصریح بیشتر/کمتر برای هر دو ترجمه شمارش شد و درصد آنها محاسبه گردید. جدول ۲ فراوانی و درصد این تغییرات در ترجمه داریوش را نشان می‌دهد.

جدول ۲ آمار توصیفی تغییرات منجر به تصریح بیشتر/کمتر در ترجمه داریوش

درصد تغییرات منجر به تصریح کمتر	درصد تغییرات منجر به تصریح بیشتر	فراوانی تغییرات منجر به تصریح کمتر	فراوانی تغییرات منجر به تصریح بیشتر	انواع ابزارهای پیوندی
۸۰/۱۹	۱۹/۸۰	۵۸۳	۱۴۴	ارجاع
۷۳/۶۸	۲۶/۳۱	۱۴	۵	عوامل ربطی
۱۲/۵	۸۷/۵	۲	۱۴	حذف

جایگزینی	۶	۰	۱۰۰	۰
پیوند واژگانی	۴۷	۲۷	۶۳/۵۱	۳۶/۴۸

همان گونه که در جدول می‌بینیم، «جایگزینی» بیشترین درصد تغییرات منجر به تصریح بیشتر در ترجمه را دارا است. به بیان دیگر، هر ۶ مورد تغییرات جایگزینی در ترجمه منجر به تصریح بیشتر شده‌اند. پس از جایگزینی، حذف، پیوند واژگانی، عوامل ربطی، و ارجاع، به ترتیب، بیشترین درصد تغییرات منجر به تصریح بیشتر در ترجمه را به خود اختصاص می‌دهند.

جدول ۳ فراوانی و درصد تغییرات منجر به تصریح بیشتر/کمتر در ترجمه بدیعی را نشان می‌دهد.

جدول ۳ آمار توصیفی تغییرات منجر به تصریح بیشتر/کمتر در ترجمه بدیعی

انواع ابزارهای پیوندی	فراوانی تغییرات منجر شده به تصریح بیشتر	فراوانی تغییرات منجر شده به تصریح کمتر	درصد تغییرات منجر شده به تصریح بیشتر	درصد تغییرات منجر شده به تصریح کمتر
ارجاع	۱۴۹	۶۱۶	۱۹/۴۷	۸۰/۵۲
عوامل ربطی	۹	۲۳	۲۸/۱۲	۷۱/۸۷
حذف	۱۵	۰	۱۰۰	۰
جایگزینی	۴	۵	۴۴/۴۴	۵۵/۵۵
ابزارهای پیوندی واژگانی	۶۸	۳۷	۶۴/۷۶	۳۵/۲۳

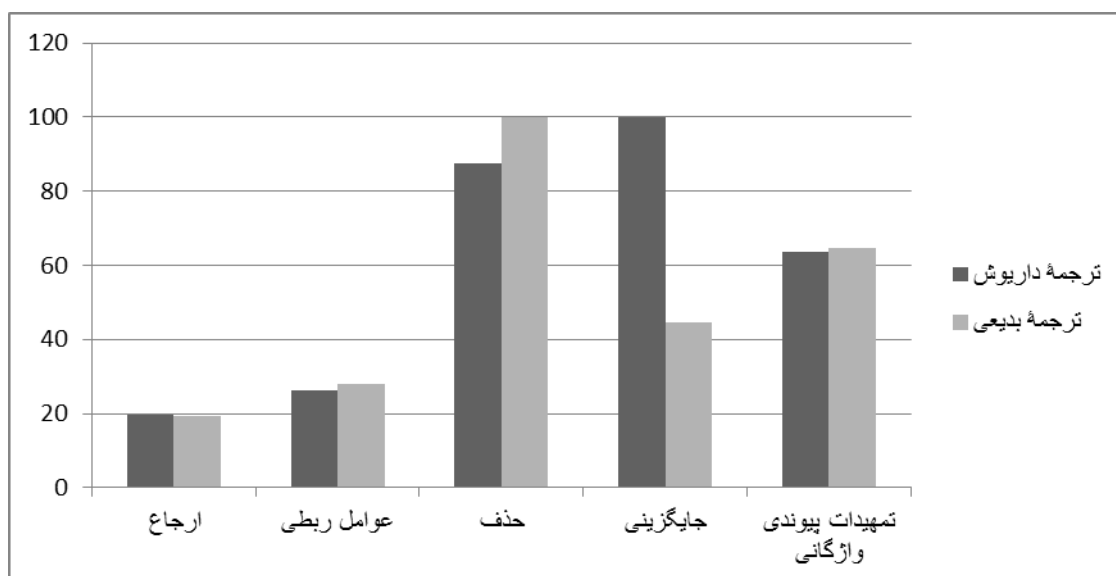
همان گونه که در جدول می‌بینیم، حذف، بیشترین درصد تغییرات منجر به تصریح بیشتر در ترجمه را به خود اختصاص می‌دهد. به بیان دیگر، همه ۱۵ مورد تغییرات حذف در ترجمه منجر به تصریح بیشتر در متن مقصد شده‌اند. پس از حذف، پیوند واژگانی، جایگزینی، عوامل ربطی، و ارجاع، بیشترین درصد تغییرات منجر به تصریح بیشتر در ترجمه را به خود اختصاص می‌دهند.

۶. یافته‌های پژوهش

۱.۶. یافته‌های مربوط به پرسش اول

همان گونه که داده‌ها نشان می‌دهند، در ترجمه داریوش، همه تغییرات جایگزینی منجر به تصریح بیشتر شده‌اند، در حالی که در ترجمه بدیعی، همه تغییرات حذف منجر به تصریح بیشتر شده‌اند.

همچنین، در ترجمه داریوش، پس از جایگزینی، تغییرات حذف، پیوند واژگانی، عوامل ربطی و ارجاع، به ترتیب، بیشترین تصریح را از خود نشان می‌دهند در حالی که در ترجمه بدیعی، پس از حذف، تغییرات در پیوند واژگانی، جایگزینی، عوامل ربطی، و ارجاع، بیشترین تصریح را از خود نشان می‌دهند. شکل ۱ درصد تغییرات منتهی به تصریح بیشتر در ترجمه‌های داریوش و بدیعی را نشان می‌دهد.



شکل ۱ درصد تغییرات منتهی به تصریح بیشتر در ترجمه‌های داریوش و بدیعی

همان گونه که در شکل می‌بینیم، بین ۵ دسته ابزارهای پیوندی از لحاظ سطوح تصریح تفاوت وجود دارد. به طور میانگین، حذف، جایگزینی، پیوند واژگانی، عوامل ربطی و ارجاع، به ترتیب بیشترین سطوح تصریح و کم‌ترین سطوح تلویح را در دو ترجمه به خود اختصاص می‌دهند. همچنین در شکل می‌بینیم که درصد تغییرات ارجاع، عوامل ربطی و پیوند واژگانی در دو ترجمه داریوش و بدیعی تقریباً یکسانند، در حالی که درصد تغییرات حذف و جایگزینی در دو ترجمه متفاوتند. علل این تفاوت می‌تواند تعداد اندک ابزارهای پیوندی حذف و جایگزینی شناسایی شده در متن مبدأ (یعنی به ترتیب ۴۴ و ۱۷ مورد) در مقایسه با تعداد دیگر ابزارهای پیوندی باشد (جدول ۱ را ببینید). از این روی، به دلیل وجود موارد نسبتاً اندک جایگزینی و حذف، تفسیر ما از نتایج مربوط به ابزارهای حذف و جایگزینی، تفسیر قاطعی نخواهد بود.

۲.۶. یافته‌های مربوط به پرسش دوم

داده‌ها نشان می‌دهند که در ترجمه‌های داریوش و بدیعی، به ترتیب، حدود ۱۵ و ۱۲ درصد از پیوندهای واژگانی متن مبدأ منجر به تغییرات سپهر گفتمان شده‌اند. همچنین، با مقایسه تغییرات سپهر گفتمان با سطوح تصریح ترجمه‌ها، در ترجمه‌های داریوش و بدیعی، به ترتیب، حدود ۹۱ و ۸۵ درصد از پیوندهای واژگانی منجر به تغییر سپهر گفتمان، به تصریح بیشتر در متن مقصد هم کمک کرده‌اند. بنابراین، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که تغییر در پیوندهای واژگانی متن مبدأ می‌تواند به تصریح بیشتر در متن ترجمه بینجامد.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

همان گونه که پیش‌تر اشاره کردیم، درصد تغییرات ارجاع، عوامل ربطی و پیوندهای واژگانی در دو ترجمه داریوش و بدیعی تقریباً یکسانند در حالی که درصد تغییرات حذف و جایگزینی در دو ترجمه متفاوتند که این تفاوت می‌تواند به دلیل وجود موارد اندک ابزارهای پیوندی حذف و جایگزینی در متن مبدأ نسبت به تعداد دیگر ابزارهای پیوندی باشد. از این روی، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های دیگر به بررسی موارد بیشتری از حذف و جایگزینی در متون مبدأ انگلیسی پرداخته شود و نتایج آن با نتایج پژوهش فعلی مقایسه گردد.

همچنین، همان گونه که یادآور شدیم، در ترجمه‌های داریوش و بدیعی، به ترتیب، حدود ۹۱ و ۸۵ درصد از پیوندهای واژگانی منجر به تغییر سپهر گفتمان به تصریح بیشتر در متن مقصد نیز انجامیده‌اند. با این حال، به دلیل وجود موارد اندک از تغییرات ابزارهای پیوندی متن مبدأ از منظر تغییر سپهر گفتمان، تفسیر ما از نتایج نمی‌تواند تفسیر قاطعی باشد. از این روی، پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌هایی مشابه، به بررسی موارد بیشتری از تغییر در پیوندهای واژگانی متون مبدأ و تأثیر احتمالی چنین تغییراتی بر سپهر گفتمان متن اصلی پردازند.

منابع

- انجوی شیرازی، ا. (۱۳۷۶). *دیوان خواجه حافظ شیرازی* (چاپ نهم). تهران: جاویدان.
- جویس، ج. (۱۳۷۵). *سیمای مرد هنرآفرین در جوانی*. (مترجم، پ. داریوش). تهران: انتشارات اساطیر.

جويس، ج. (۱۳۸۵). *چهره مرد هنرمند در جوانی*. (مترجم، م. بدیعی). تهران: انتشارات نیلوفر.

فروغی، م. ع. (۱۳۸۵). *کلیات سعدی*. تهران: هرمس.

Behjat, F. (2009). Non-structural Cohesive Devices in English Novels and their Corresponding Persian Translations. *Journal of Teaching English as a Foreign Language and Literature, Islamic Azad University, North Tehran Branch*, Vol. 1, No. 3, pp. 107-118.

Beikian, A., Yarahmadzahi, N. & Karimpour Natanzi, M. (2013). Explication of Conjunctive Relations in Ghabraei's Persian Translation of 'The Kite Runner'. *English Language and Literature Studies*, Vol. 3, No. 2, pp. 81-89.

Blum-Kulka, S. (1986). Shifts of Cohesion and Coherence in Translation. In J. House & S. Blum-Kulka (Eds.), *Interlingual and Intercultural Communication: Discourse and Cognition in Translation and Second Language Acquisition Studies* (pp. 17-35). Germany: Gunter Narr.

Callow, K. (1974). *Discourse Considerations in Translating the Word of God*. Michigan: Zondervan.

De Beaugrande, R. A. & Dressler, W. U. (1981). *Introduction to Text Linguistics*. London: Longman.

Dimitrova, E. B. (2005). *Expertise and Explication in Translation Process*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins.

Fazl-Ali, F. (1995). *The Analysis of Ellipsis in Persian*. Unpublished MA Thesis. Tehran: Allameh Tabatabayi University.

Gholami, J., Ilghami, R., Molla-Hosseini, H. & Tahoori, F. (2012). Cohesive Devices in Iranian Research Papers across Social Sciences and Medical Sciences: The Case of Conjunctives in Papers on Biomedicine and Applied Linguistics. *The Iranian EFL Journal*, Vol. 8, No. 4, pp. 292-309.

Gutwinski, W. (1976). *Cohesion in Literary Texts*. The Hague & Paris: Mouton.

Halliday, M. A. K. & Hasan, R. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.

Hoey, M. (1988). The Clustering of Lexical Cohesion in Non-narrative Text. *Trondheim Papers in Applied Linguistics*, Vol. 4, pp. 154-180.

Hoey, M. (1991). *Patterns of Lexis in Text*. Oxford: Oxford University Press.

Joyce, J. (2005). *A Portrait of the Artist as a Young Man*. New York: Bantam Dell.

Klaudy, K. (1998). Explication. In M. Baker (Ed.), *Routledge Encyclopedia of Translation Studies* (pp. 80-84). London & New York: Routledge.

- Lascar, E. (1997). *Shifts of Cohesion as Manifested in Translation*. Milperra, N. S. W: The Author.
- Laviosa-Braithwaite, S. (1998). Universals of Translation. In M. Baker (Ed.), *Routledge Encyclopedia of Translation Studies* (pp. 288-291). London & New York: Routledge.
- Lefevere, A. (Ed.) (1992). *Translation/History/Culture: A Sourcebook*. London & New York: Routledge.
- McCarthy, M. (1991). *Discourse Analysis for Language Teachers*. Cambridge & New York: Cambridge University Press.
- Mirzapour, F. & Ahmadi, M. (2011). Study on Lexical Cohesion in English and Persian Research Articles: A Comparative Study. *English Language Teaching*, Vol. 4, No. 4, pp. 245-253.
- Monshi Toussi, M. & Jangi, M. (2013). Cohesion Shifts in English Medical Texts and their Persian Translation. *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, Vol. 3, No. 12, pp. 327-334.
- Mozaffar-Zadeh, L. (1998). *Ellipsis and Substitution as Cohesive Devices in Persian*. Unpublished MA Thesis. Terhan: University of Tehran.
- Neuner, J. (1987). Cohesive Ties and Chains in Good and Poor Freshman Essays. *Research in the Teaching of English*, Vol. 21, No. 1, pp. 92-94.
- Rahimi, A. & Ebrahimi, N. A. (2012). Lexical Cohesion in English and Persian Texts of Novels. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, Vol. 3, No. 11, pp. 569-577.
- Rahimi, A. (1993). *A Contrastive Analysis of Reference as Used Cohesively in English and Persian Narrative-Descriptive Written Texts*. Unpublished MA Thesis. Tehran: University for Teacher Education.
- Shlesinger, M. (1995). Shifts in Cohesion in Simultaneous Interpreting. *The Translator*, Vol. 1, No. 2, pp. 193-214.
- Vahiddastjerdi, H. & Taghizadeh, S. (2006). Application of Cohesive Devices in Translation: Persian Texts and their English Translations in Contrast. *Translation Studies*, Vol. 3, No. 12, pp. 57-68.
- Widdowson, H. G. (2007). *Discourse Analysis*. Oxford & New York: Oxford University Press.